



شامگاه سه‌شنبه 6 دی‌ماه نشست نقد و بررسی فیلم سینمایی «گلچهره» با حضور «لادن مستوفی» و «حسین محب‌اهری» (بازیگران)، «هومن بهمنش» (فیلمبردار)، «مسعود میمی» (دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز)، «خسرو سینایی» (مهمان ویژه) و «محمدرضا لطفی» (مجری و منتقد) در فرهنگسرای فردوس برگزار شد.

بنابراین گزارش، همچنین «وحید موسائیان» که در مسافرت بسر می‌برد و قرار بود تا در این روز به ایران بیاید، به دلیل لغو پروازش در فرودگاه مبدا از حضور در این جلسه باز ماند.

\* میمی: می‌خواستیم در کمال امنیت کار کنیم

بر پایه این گزارش، در ابتدای نشست «محمدرضا لطفی» از «مسعود میمی» با طرح این پرسش که «آیا این فیلم در افغانستان فیلمبرداری شد یا نه؟» جلسه را آغاز کرد که وی پاسخ داد: خیر ما فیلم را در ایران و در بیرجند فیلمبرداری کردیم و چون در افغانستان شرایط مناسبی نبود ما مجبور شدیم تا با بازسازی فضا و صحنه کار را در ایران فیلمبرداری کنیم.

وی در ادامه افزود: البته ما نسبت به جغرافیای آنجا آگاهی کامل داشتیم و تیم صحنه چند سفر به افغانستان رفتند و تحقیق مفصلی صورت گرفت تا فضا به شکل واقعی و ملموسی بازسازی شود و خوشبختانه افغانی‌هایی که فیلم را دیدند همگی به این بازسازی نمره قبولی دادند.

«لطفی» در تکمیل این پرسش از وی پرسید که منظور از مناسب نبودن شرایط افغانستان چیست؟ که «میمی» پاسخ داد: به هر حال ما می‌خواستیم در کمال امنیت کار کنیم و این مهم در افغانستان تحقق نمی‌یافت.

\* سینایی: «گلچهره» را به شدت دوست داشتم

بنابراین گزارش، در ادامه این نشست «محمدرضا لطفی» خطاب به «خسرو سینایی» از وی پرسید سینمای مستقل در مفهوم بین‌المللی تعریف مشخص و واحدی دارد اما در ایران این تعاریف کمی متفاوت است و به نظر شما در ایران ما به چه اثری می‌توانیم بگوییم فیلم مستقل و اینکه آیا به نظر شما «گلچهره» در دسته فیلم‌های مستقل قرار می‌گیرد یا خیر؟ که وی درباره این سوال پاسخ داد: قبل از هرچیز من این نکته را باید بگویم که فیلم سینمایی «گلچهره» را خیلی دوست داشتم و امیدم این است آن چیزی که به عنوان سینمای مستقل وجود دارد تا دوام داشته باشد.

کارگردان «عروس آتش» در ادامه افزود: ما اولین قدم‌ها را از سال 58 برداشتیم و اولین فیلم ما «زنده باد» بود. خوب الامان به لطف وسعت یافتن تکنولوژی و حضور دوربین دیجیتال خیلی راحت‌تر از گذشته می‌توان فیلم ساخت و مستقل بود، اما پرسش اینجاست که آیا از آن می‌توان درآمدزایی هم کرد؟ می‌توان آن را در بازار عرضه و نمایش وارد چرخه کرد؟ و دقیقاً مشکل از همین نقطه آغاز می‌شود. سینایی تصریح کرد: این مشکلی است که سینمای مستقل همواره با آن دست به گریبان است و از صمیم قلب آرزو می‌کنم که فیلم و یا فیلم‌هایی مثل «گلچهره» که به معنی اخص کلمه نجیب، سالم و خوب هستند در چرخه نمایش به سرمایه‌شان برسند.

\* مستوفی: فیلم‌هایی از جنس «گلچهره» جزوی از دغدغه‌هایم به حساب می‌آید

در ادامه این نشست منتقد برنامه از «لادن مستوفی» پرسید که شما جایگاه بازیگر را در سینمای مستقل کجا می‌بینید و اینکه چقدر یک بازیگر در فیلم‌های مستقل نقش دارند؟ که وی در پاسخ بیان

داشت: به نظر من نقش بازیگر در سینمای مستقل به همان میزان است که در سینمای غیر مستقل یا اصطلاحاً سینمای تجاری است، البته ما این مرزبندی را در سینمای ایران به دلیل شرایط حاکم داریم، اما متأسفانه گاهی با برچسب زدن به یک فیلم آن را می‌کشند.

مستوفی ادامه داد: به اعتقاد من سینما چه از نوع هنری، چه از نوع خاص و یا چه از نوع تجاری همگی در وهله نخست سرگرمی هستند و سعی دارند تا در قالب‌های مختلف قصه‌هایشان را روایت کنند. کسانی که در این شرایط سخت فیلمسازی فیلم می‌سازند احتیاج به توجه و تبلیغات بیشتری دارند. این بازیگر در ادامه اظهار داشت: من از روی دریافت‌هایم فیلم‌هایم را انتخاب می‌کنم و در کارنامه کاری من فیلم‌های تجاری و بدنه هم هست، چون حق انتخاب ما کم است، اما وقتی فیلم‌هایی مانند «گلچهره» را انتخاب می‌کنم جزوی از دغدغه‌هایم هست.

بنابراین گزارش، «محمد رضا لطفی» در ادامه صحبت‌های «لادن مستوفی» به این نکته اشاره کرد که البته این مرزبندی هنری و تجاری به بازیگرهای ما هم سرایت کرده است و این برچسب‌ها چند سالی است که نه فقط بر روی فیلم‌ها که بر روی بازیگرها هم زده می‌شود که فلان بازیگر هنری کار است یا اینکه فلان بازیگر تجاری کار و این یک زنگ خطر به حساب می‌آید که «لادن مستوفی» هم گفت: بله چون ما دوست داریم آدم‌ها را مرزبندی کنیم. اما باید قبول کرد که بازیگر به تنهایی در هیچ فیلمی نمی‌تواند معجزه کند، خیلی از بازیگرها که برچسب تجاری خورده‌اند بعضی فیلم‌هایشان نمی‌فروشد، اما کامل درست است و این برچسب گذاری به عالم بازیگری هم رسیده است و باعث شده تا خیلی از فیلم‌هایمان شبیه یکدیگر شوند.

\* بهمنش: فیلمبردار نباید صاحب سبک باشد

برپایه این گزارش، پس از پاسخ «لادن مستوفی»، «محمد رضا لطفی» خطاب به «هومن بهمنش» فیلمبردار فیلم پرسید آیا این درست است که فیلمبردار صاحب سبک باشد؟ که وی در ادامه این گونه پاسخ داد: که خیر! شدیداً بر این باورم که فیلمبردار نباید صاحب سبک از خود باشد و باید اجرا کننده ذهن کارگردان باشد.

وی در ادامه افزود: یک فیلمبردار باید همه سبک‌ها را تجربه کند. به اعتقاد من یک فیلم تجاری هم می‌تواند خوب باشد، اما این شرایط است که بر کار حاکم می‌شود، مثلاً وقتی شما برای یک فیلم تجاری سی تا چهل روز فرصت دارید قطعاً نتیجه‌اش خیلی فرق می‌کند با فیلمی مثل «خیلی دور خیلی نزدیک» که هشت ماه زمان برای فیلمبرداریش در نظر گرفته می‌شود.

\* محب‌اهری: از شنیدن کلمه فرهنگ و فرهنگی خسته شده‌ام

در ادامه این بحث مجری برنامه از «حسین محب‌اهری» درباره جایگاه بازیگر در سینمای ایران در شرایط فعلی توضیح خواست که وی پاسخ داد: راستش من از شنیدن کلمه فرهنگ و فرهنگی خسته شده‌ام. فیلم فرهنگی، باشگاه ورزشی فرهنگی، جشنواره فرهنگی هنری و... این بازیگر در ادامه افزود: به اعتقاد من شوخی بیش نیست. باید بپذیریم که هیچ کس به دنبال ساخت فیلم مبتذل نیست و باید بگویم که استاد «خسرو سینایی» با تعریفشان از این فیلم خستگی را از تن ما بیرون کردند و امیدوارم برای ایشان شرایطی به وجود بیاید که فیلم بسازند. این فیلم حاصل یک تلاش گروهی بود که جزء به جزء تلاش کردند تا حاصل کار خوب شود. در واقع حرف این فیلم نجات فیلم و فرهنگ است.

\* سینایی: سینمای ما پیشرفت کرده است

بنابراین گزارش، «خسرو سینایی» در ادامه صحبت‌های «حسین محب‌اهری» اذعان داشت که من با افتخار می‌گویم که امسال درست چهل و پنج سال است که در سینما کار می‌کنم و معتقدم که ما نسبت به گذشته پیشرفت کرده‌ایم. به یاد دارم در دهه پنجاه که در تلویزیون کار می‌ساختم با آن‌ها دعوا داشتم که برای ساخت یک دیوار آجری برای صحنه باید از آجر استفاده کرد، نه اینکه روی گونی آجر را نقاشی کنیم و با زور سرنیزه تماشاگر را مجبور کنیم که این یک دیوار آجری است. نسل امروز واقعاً استعدادهای درخشانی دارد که یکی از این نمونه‌ها «وحید موساییان» است.

\* مستوفی: تصویر ما از افغان‌ها کارگرهای افغانی است

پس از صحبت‌های «حسین محب‌اهری» و «خسرو سینایی»، «محمد رضا لطفی» خطاب به «لادن مستوفی» خواست تا از تصویرش از یک زن افغان که نقشش را در این فیلم بازی کرده بگوید که وی هم پاسخش را این گونه بازگو کرد: تصویر واقعی زن افغان متفاوت از آن چیزی است که ما متأسفانه

بصورت کلیشه از ملت افغان در ذهن داریم و شاید آن نگاهی که باید به ملت افغان داشته باشیم در بیشتر موارد تصویر کارگران افغانی است. اما اگر گذری به تاریخ افغانستان ببینیم می‌بینیم که آن‌ها ملت زحمت کشی هستند و افراد تحصیلکرده بسیاری دارند و زن‌های توانمند بسیاری در این کشور وجود داشته و دارد. شما وقتی از طریق فیلم وارد فرهنگ مردم می‌شوید نمی‌توانید یک سوپه نگاه کنید. در ادامه منتقد برنامه از «لادن مستوفی» درباره لهجه و گویش افغانی‌اش سوال کرد که او هم پاسخ داد: برای این فیلم ما مربی افغانی داشتیم و با لهجه کابلی صحبت می‌کردیم که در واقع فارسی دری است و برای نزدیک شدن به گویش واقعی روی تک تک کلمه‌ها کار می‌کردیم، به عنوان مثال با دقت روی لهجه افغانی می‌توان پی برد که اکثر افغان‌ها صدای تو گلوپی دارند و همان نکات ریز باعث می‌شود تا لهجه طبیعی جلوه کند.

\* سینیایی: «گلچهره» به هدف خود رسیده است

برپایه این گزارش، در ادامه‌این نشست «محمد رضا لطفی» از «خسرو سینیایی» خواست تا تحلیل کلی‌اش را از فیلم سینمایی «گلچهره» بازگو کند که وی در پاسخ توضیح داد: من از صمیم قلب به سازندگان این فیلم تبریک می‌گویم که با این که فیلم را در بیرجند گرفته‌اند و من خود به شخصه کاملاً آن منطقه را می‌شناسم، اما باز متوجه نشدم که فیلم در ایران فیلمبرداری شده است و کاملاً تماشاگر احساس می‌کند که در قلب افغانستان است و یا مثلاً مدتی طول کشید که من فهمیدم «افشین هاشمی» در فیلم کدام است و این یعنی موفقیت، چراکه فیلمساز به درستی توانسته باورپذیری را در تماشاگر به وجود بیاورد.

سینیایی ادامه داد: این همان بحثی است که من عرض می‌کردم، چرا که سینما یعنی باورپذیری برای تماشاگر. اینکه می‌گویم سینمای ما پیشرفت کرده است تنها یک ادعا نیست، شما اگر دقت کنید می‌بینید که در فضای پیش از انقلاب تعداد کمی جدی و فرهنگی سر و شکل دار ساخته شد، چند نفری مثل: «بهرام بیضایی»، «داریوش مهرجویی» و... تلاش کردند و فیلم‌هایی ساختند، اما واقعاً تعداد زیادی نبودند. در صورتی که امروزه نسبت به گذشته واقعاً فیلم‌های خوب کم نیستند و با وجود تامل فشارها کارهای خوبی تولید می‌شوند. من جمله‌ای دارم که به شدت روی آن تاکید می‌کنم و با قاطعیت می‌گویم که سینما جزء یک ابزار نیست و این ابزار در خدمت ذهن افراد قرار می‌گیرد. این کارگردان در ادامه افزود: ما فیلم خوب و فیلم بد داریم. اما مهم این است که با چه هدفی فیلم ساخته می‌شود. فیلم کمدی اگر به دور از ابتذال باشد نه تنها چیز بدی نیست که حتی به بشر کمک هم می‌کند، اما این جهل تاریک است که به انسان‌ها ضربه می‌زند و بسیار مهیب و خطرناک است. می‌توان کار خوب و پر فروش ساخت، این هیچ اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است، پس سینما هم مثل هر هدف دیگری خوب و بد دارد و باید تکلیف خودش را با خودش بداند. در آن صورت است که موفق است و معتقدم که «گلچهره» به هدف خود رسیده است.

\* بهمنش: هیچ کس نمی‌تواند مخالف دوربین دیجیتال باشد

در ادامه منتقد برنامه از «هومن بهمنش» پرسید که آیا فیلمبردار هم در این انتقال باورپذیری به تماشاگر نقش کلیدی دارد یا نه؟ که وی پاسخ داد: بله قطعاً همین طور است و من معتقدم که همه با هم در نوازندگی این ارکستر تاثیر گذار هستیم، به عنوان مثال من در همین فیلم «گلچهره» مدتی تحقیق کردم و سعی کردم بینم در افغانستان و در آن زمان منبع نوری در خانه‌ها و شهر به چه اندازه و به چه شکلی بوده است تا این باورپذیری فضا به تماشاگر منتقل شود و برای این کار من نمی‌توانستم به دنبال رنگ آمیزی آنچنانی بروم.

در ادامه «محمد رضا لطفی» از «هومن بهمنش» پرسید شما این فیلم را با نگاتیو فیلمبرداری کردید، اما با این حال چه خواهیم و چه نخواهیم صنعت دیجیتال وارد سینما و خصوصاً دنیای فیلمبرداری شده و هنوز هستند فیلمبردارانی که نسبت به این مقوله گارد دارند، شما پیرامون این پدیده چه نظری دارید؟ که وی هم پاسخ داد: هیچ کس نمی‌تواند مخالف دوربین دیجیتال باشد. البته عمر سینمای دیجیتال بسیار جوان است اما به لحاظ کیفیت در سطح بسیار بالایی است فکر می‌کنیم چه خواهیم و چه نخواهیم حداکثر تا ده سال دیگر نگاتیو از بین می‌رود.

\* مستوفی: چنین فیلم‌هایی در شرایط کنونی حکم کیمیا را دارد

در ادامه این جلسه مجری برنامه خطاب به «لادن مستوفی» پرسید اکنون که فیلم را می‌بینید چقدر از نقشتان راضی هستید؟ و لادن مستوفی پاسخ داد: به هر حال محدودیت‌هایی در جریان ساخت فیلم

وجود داشت و فکر می‌کنم این فیلم هفتاد درصد از آن چیزی بود که در فیلم‌نامه فیلم وجود داشت. قبل از اینکه ما به بیرجند برویم قرار بود که این فیلم در مناطق مرزی ایران با افغانستان فیلمبرداری شود و ما همه این صیوری را به خاطر فیلمنامه محکم کار پذیرفته بودیم. فکر می‌کنم چنین فیلمنامه‌ها و فیلم‌هایی در شرایط کنونی کیمیا است و شما به هیچ شکل نمی‌توانید به آن نه بگویید. بعد از این فیلم توقع من آنقدر بالا رفته که الان حدود یک سال است که در هیچ فیلمی بازی نکرده‌ام و فکر می‌کنم اگر این با امکانات بیشتری ساخته می‌شد در جهان سر و صدا می‌کرد.

\* سینایی: فیلم‌هایمان را با محبت بیشتری نگاه کنیم

بنابراین گزارش، در پایان این نشست «خسرو سینایی» با طرح این بحث که بیاییم فیلم‌هایمان را با محبت بیشتری نگاه کنیم و باور کنید از هر سی فیلم اروپایی که من اکثر آنها را نگاه می‌کنم سه فیلم خوب بیرون می‌آید جلسه را خاتمه داد و گفت: به عنوان مثال فیلم مرد سوم نمونه یک فیلم خوب است که محبوب خودم هم هست، اما این فیلم پر از اشکال و ایراد است، ولی چون نام این فیلم در میان فیلم‌های برتر تاریخ سینما رفته است کسی جرأت ندارد از این ایرادات و اشکالات حرفی بزند و من وقتی که یکبار از این ایرادات صحبت به میان آوردم عده‌ای حمله کردند که «خسرو سینایی» با این حرف‌ها قصد دارد خودش را بزرگ کند. به اعتقاد من «گلچهره» یک فیلم نجیب و قابل احترام است. این نشست در ساعت 22 با تجلیل از عوامل به کار خود پایان داد.